



جلسه ۱۲۷۹

دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

یکشنبه ۱۲ مرداد ماه ۱۳۰۹ - ۸ ربیع الاول ۱۳۰۹

قیمت اشترک سالانه : ۱۰ تومان
 قیمت اشترک خارجی : ۱۴ تومان
 قیمت اشترک داخلی : ۸ تومان
 شماره : یکفران
 مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه دوازدهم ارداد ماه ۱۳۰۹ هـ (هشتم ربیع الاول ۱۳۴۹)

بهرست مذاکرات

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تصویب يك فقره مرخصی
- ۳ - شور اول لایحه اساسنامه دیوان داوری بین المللی
- ۴ - شور دوم لایحه سرویس پست هوایی و تصویب آن
- ۵ - شور ثانی و تصویب لایحه وراثت مستخدمین نظبه
- ۶ - اجازه تمدید کتبات دو نفر معلمین فرانسوی
- ۷ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای رئیس الوزراء
- ۸ - بقیه شور اول لایحه بانک فلاحتی از ماده ۸
- ۹ - نطق آقای رئیس - اقتراع برای شرفیابی حضور همایونی
- ۱۰ - موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس سه شنبه ۷ ارداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

تومان از مقرری مرخصی مزبور را به تعمیر مقبره خیام اختصاص داده اند کمیسیون موافق و خبر آنها تقدیم میدارد.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عرضم همان عرایض سابقه است (اسدی - بلندتر) عرایض بنده در اینجا امروز همان عرایضی است که سابق کرده ام میل دارم آقایان در اینجا بمانند و خدمت کنند بخصوص آقای افسر که هرچه در اینجا بمانند خوب خدمت میکنند و چون ایشان در مجلس لازم تر است آنجا هر چه کار کنند مثل اینجا نمیتوانند کار کنند میل دارم اینجا تشریف داشته باشند

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (خیر)

صورت مجلس تصویب شد

[۲ - تصویب يك فقره مرخصی]

رئیس - خبری از کمیسیون عرایض و مرخصی

بیده است قرائت میشود

خبر مرخصی آقای افسر

آقای افسر نماینده محترم برای رفع خستگی تقاضای

ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند و مبلغ یکصد

عین مذاکرات مشروح بکصدوسی و هفتمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

و همد تومان را هم همینجا بگیرند و تشریف برند حالا که میخواهند تشریف ببرند صد تومان اولاً کم تخصیص داده اند و بعد هم عرض کردم مقبره خیام اهمیت ندارد يك مریضخانه که حفظ جان مردم را بکند اهمیت دارد رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - آقای فیروز آبادی يك نظری دارند که همیشه در مرخصی ها مخالفت میکنند خودشان هم تصدیق کردند که آقای افسر همیشه در مجلس حضور دارند انجام وظیفه میکنند و هیچ ساعتی هم از موقعی که باید حضور داشته باشند و ادای وظیفه بکنند غفلت نکرده اند مسافرت شان هم بر حسب کسالتی است که برای ایشان پیدا شده است و اطبا تجویز کرده اند و تغییر آب و هوا برای ایشان لزوم پیدا کرده است

آقا سید یعقوب - برای همه مان اینطور است **ملک مدنی** - و بعلاوه آن محلی که ایشان تشریف میبرند این نظری که آقا در حضرت عبدالمعظم دارند آن نظر را ایشان هم در محل خودشان اجرا میکنند این قسمتی را هم که برای مقبره خیام اختصاص داده اند ایشان رئیس انجمن ادبی هستند و وظیفه دار بودند در کمیسیون هم هیچ گفتگو نشده بود که در این مورد مساعدتی بفرمایند خودشان از هر کس بیشتر ذمه دار هستند و البته بیش از این اقدام کرده اند و خواهند کرد بله و تصور میکنم مریضخانه حضرت عبدالمعظم هم انشاءالله با جدیت و تعقیبی که حضرت تعالی در کار دارید سر و صورت پیدا کند

رئیس - موافقین با مرخصی آقای افسر قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۳ - شور اول لایحه اساسنامه دیوان داوری بین المللی]

رئیس - خبر کمیسیون امور خارجه راجع با اساسنامه دیوان داوری بین المللی قرائت میشود

خبر کمیسیون

کمیسیون امور خارجه لایحه نمره ۲۸ و ۲۷ و ۲۵ دولت را راجع به اساسنامه دیوان داوری بین المللی و پرتکل تجدید نظر در آنرا تحت مطالعه در آورده و ماده

واحدہ ذیل را برای تصویب تقدیم مینمایند

ماده واحدہ - مجلس شورای ملی اساسنامه دیوان داوری بین المللی مورخه ۲۴ قوس ۱۲۹۹ (۱۶ دسامبر ۱۹۲۰) را که مشتمل بر ۶۴ ماده و همچنین پرتکل تجدید نظر در مواد آنرا که در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۰۸ (۱۴ سپتامبر ۱۹۲۹) در زنو بامضاء رسید است بعلاوه پرتکل الحاق دول متحده امریکای شمالی به پرتکل امضاء اساسنامه دیوان داوری بین المللی که عبارت از ۸ ماده میباشد و در تاریخ ۲۳ شهریور ماه ۱۳۰۸ (۱۴ سپتامبر ۱۹۲۹) در زنو امضاء شده تصویب و بدو یک اجازه میدهد اسناد مصدقہ آنها را بدار الانشاء جامعه ملل تسلیم نماید

رئیس - ماده واحدہ مطرح است نظری نیست (اظهاری نشد) آقایانی که با شور دوم ماده واحدہ موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۴ - شور دوم لایحه سرویس پست هوایی]

رئیس - خبر کمیسیون پست و تلگراف راجع به هوا پیمائی یونکرس مطرح است قرائت میشود

خبر کمیسیون

کمیسیون پست و تلگراف لایحه نمره ۴۶۱۳ دولت راجع به پست هوایی را برای شور نانی مطرح نمودند و چون هیچگونه پیشنهادی نرسیده بود عین خبر شور اول را تأیید و برای تصویب تقدیم مجلس مقدس شورای ملی مینمایند.

رئیس - بنا بر این عین خبر شور اول قرائت میشود

خبر کمیسیون

کمیسیون پست و تلگراف با حضور آقای وزیر پست و تلگراف لایحه نمره ۴۶۱۳ دولت را مطرح در نتیجه یکاملاً مراقبت کنند و نگذارند زیاد بگیرد بواسطه اینکه يك ماده واحدہ ذیل را تصویب و اینک خبر آنرا تقدیم مینمایند

ماده واحدہ - مجلس شورای ملی بوزارت پست و تلگراف اجازه میدهد تا تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۹ زیاد از مردم نگیرد و در حال این مطلب مطلب تجارتی تا زمان تغییر تعرفه پست هوایی قانون سوم اردیبهشت ۱۳۰۸ ادامه داده شده و از روز اجرای تعرفه جدید

زمان انقضای قانون بیستم بهمن ۱۳۰۴ سرویسهای پست را که عبارت از هفته يك پست در خط طهران باشد و دو پست در خط طهران - بوشهر و دو پست در خط طهران - قصر و يك پست در خط طهران - پهلوی پست بتوسط مؤسسه یونکرس برقرار داشته کلیه عایدات پست هوایی و حقوق واصله از مالک خارجه را بد خزانه نموده کرایه محمولات پستی را از قرار هر یکلوگرام در هر یکصد کیلو متر پنجقران بمؤسسه مزبور بپردازد

رئیس - ماده واحدہ مطرح است شور دوم . آقای **کازرونی** - بنده البته کاملاً موافقم که نظر باینکه مؤسسه هوا پیمائی دارای يك ترتیب نیست و چون امروز این هم یکی از اموری شده است که کاملاً مورد احتیاج مردم است چه از حیث تجارت و چه از حیث سفارت بنده عقیده دارم دولت بایستی در کلیه امور مراقبت کامله داشته باشد که مبادا از طرف آن مؤسسه کس افراط و تفریطی بشود مثلاً راجع به آن کرایه که از مسافرین میگیرند بنده می بینم روز بروز دارند زیاد میکنند بکوت با حضور نماینده آنها در وزارت پست و تلگراف اظهار کردم که شما در وطن خودتان ببینید هر مسافری برای این مسافت معینی که ما داریم بپیمائیم چه مبلغ میگیرید دوسماری از آنچه در وطن خودتان میگیرید در خاک ما که وطن شما نیست و امتیاز بشارش را بشما داده ایم میگیرید لیکن مبلغ فوق العاده است باین مؤسسه هوا پیمائی که محل احتیاج مردم است و کاملاً مراقبت کنند و نگذارند زیاد بگیرد بواسطه اینکه يك ماده واحدہ ذیل را تصویب مینمایند

ماده واحدہ - مجلس شورای ملی بوزارت پست و تلگراف اجازه میدهد تا تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۹ زیاد از مردم نگیرد و در حال این مطلب مطلب تجارتی تا زمان تغییر تعرفه پست هوایی قانون سوم اردیبهشت ۱۳۰۸ ادامه داده شده و از روز اجرای تعرفه جدید

تمام میشود نمایانم بچه دلیل و چرا این قدر زیاد گرفته میشود . یکی از عرایض دیگر بنده این است که مقصود از پست هوایی این است که سرعت وزود بمقصد برسد بنده می بینم که این نکته اولی را رعایت نمیکنند حالا از کی است و کجا است اصل مطلب را بنده عرض میکنم خود آقایان ملتفت میشوند در مثل این اوقات خطوط پست هوایی را بایستی قبل از ظهر بستخانه بدهند قبل از ظهر بستخانه داده میشود آنوقت فردا صبح دیگر پست هوایی حرکت میکند (افسر - صحیح است) بنده عرض میکنم تحقیق بکنید هیچ جای دنیا يك هم چو ترتیبی نیست در بوشهر ما خطوطی که تحویل کشتی میدهند در اینجا يك صندوقی هست اگر کسی يك خط و اجبی داشته باشد بتوسط اسنیم لنج (قایقهای موتوری) میفرستند و او میفرستد بکشتی و در آن صندوق می اندازند و با صاحب میرساند ملاحظه بفرمائید از پیش از ظهر تا فردا صبح که چهار بظهر مانده است پست هوایی بخواند حرکت کند زیاده از مدت مسافتی است که پست هوایی باید سیر کند (موقر - صحیح است) بنده مکرر بوزارت پست و تلگراف تذکر دادم که آقا این خلاف مقصود است این بکلی آن منظور اصلی را که شما دارید از بین میبرد اخیراً به بنده وعده دادند که يك جمعی ایجاد کنند که همان صندوق پستی باشد که در آنجا ریخته شود لیکن متأسفانه این وعده مدتها است به بنده داده میشود و هیچ ترتیب آری بآن داده نشده است (افسر - صحیح است) بنده خواستم تذکر داده باشم که شما نگذارید این مقصود اصلی از بین برود

افسر - هدر میرود هشت ساعت طول میکشد

مخبر - عرض کنم آقای کازرونی (افسر - آقای مخبر باید تصدیق کنید) مخالفتی نکردند که با اصل لایحه باشد فقط نظریاتی فرمودند که این نظریات صحیح است و وزارت پست و تلگراف برای این کار نظامنامه نوشته که تمام این نظریات را رعایت کرده .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هم عرضی نداشتم خواستم عرض کنم که قیمت شخص مسافر را تعیین نکرده اند خوبست یکمقدار معینی تعیین شود که فراخور حال ما باشد و زیاد تر نباشد که بهر شکلی او بخواهد معین کند نظر بنده همین بود و نظر دیگری ندارم بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافیست .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب فرمایشی داشتید ؟

آقا سید یعقوب - بلی عرضی داشتم . این يك موضوعی است که باید خود آقای مخبر یا آقای وزیر که تشریف دارند . در این لایحه معین کنند . تعیین حد مسافر هر سال تغییر میکند چرا ؟ برای اینکه دولت هر سال نظر ندارد حالا بطور مثل عرض میکنم اخوی زاده بند ، پارسال سی تومان میداد میرفت شیراز امسال سی و پنج تومان سال دیگر چهل تومانست چرا برای خاطر اینکه دولت نظر نمیکند و ما دست دیگران را که در مملکتان می آید باز میکنیم که هر جور در شئون مملکت مداخله کنند همینقدر که کمتر ازش از تصویب گذشت دیگر تحت تقبیش تمام دولت نیست و هر جور خواست برای خودش قرار میدهد ناچار ما باید در لواجیحی که مجلس می آید بدولت تذکر بدهیم که دولت متصل باید مراقب باشد که اینها در اینموقعی که ما یک اقتداری داریم دیگران که می آیند در این مملکت مؤسسانه تأسیس میکنند باید مقید بقراردادهای خودشان باشند مقید بنظامنامههای خودشان باشند بجه مناسب یکسال ۲۵ تومان است یکسال سی تومان یکسال سی و پنج تومان همین جور مثل نان بالا و پائین میرود آخر يك میزان و ترتیبی دارد صورت را باید بوزارتخانه بدهد که باینجه ترفی میکند هفتاد تومان برای چه دولت باید نظر بکند

يك ميزانی باید داشته باشد . این را بنده عرض میکنم بر اساس است و الا بنده با مؤسسه هوا پیمائی که ملاوانه زیرا که همیشه نظر بنده این است که تحت نظارت و نظارت باشد که در تحت نظر دولت و مقررات دولت باشد

مخبر - عرض میکنم که چون نظر حضرتعالی تذکر بود تذکرات خیلی خوبست و برای اینکه اطمینان داشته باشیم که این نظریات رعایت میشود در نظامنامه خود با وزارت پست و تلگراف قرار میگذازد هر کس بخواد دارد باو بدهد کرایه اش را هم پای او حساب کنید با وزارت پست و تلگراف حساب کند این مثل اداره حمل و نقلی است بامر میرد بآن اداره میدهد اتوموبیل غیره کرایه میکند میرد و اینهم بوسیله هوا پیمائی میرد و برای خاطر اینکه بدانید که چرا مسافر کم و زیاد میشود این را البته مذاکرات شده با اداره هوا پیمائی يك استدلالی میکنند راجع باینکه اغلب هوا پیمائی است مصارف بترین ما اغلب زیاد میشود و هم يك مخارج دیگری بهش تعلق گرفته است ولی برای اینکه مطالعه باشید عرض میکنم که يك ترتیبی دارند میدهند که تفاوت فاحشی داده نشود در آن نظامنامه آن نظر مراعات میشود و نظر حضرتعالی تأمین میشود .

رئیس - مذاکره کافی است ؟

رئیس - رأی میگیریم با ورقه موافقین ورقه سفید تعداد شد) اخذ و استخراج آراء بعمل آمده هفتاد و شش ورقه سفید تعداد شد) **رئیس** - عده حاضرین هشتاد و چهار با کثرت رأی تصویب شد

اسامی رأی دهندگان : آقایان محمد ولی میرزا - شریعت زاده - کفائی - ظفری - شریفی - ملک مدنی - آقا زاده سزواری - حکمت - استقبالیاری - ذوالقدر - دکتر لقمان - اسدی - فوجی - امیر تیمور - لاریجانی - مسعودی - خواجوی - مفتی - درویش - روحی - اقبال - جلالی - محمد آخوند - دهستانی - باستانی - امین پور حسن - افسر - طاهری - هزار جریبی - مصحح قاضی - سهرابخان - طباطبائی وکیل - بنکدار - کازرونی - ضیاء - فولادوند - محمد علی میرزا دولتشاهی - طالس خان - حسنعلی میرزا دولتشاهی - انجمنی - حبیبی - مولوی - وهاب زاده - دکتر سنک - یالیزی - طباطبائی دیبا - ایلخان - اسعد - بزرگ نیا - آقایان - عبد - میرزا عبدالحسین خان دیبا - آقا سید یعقوب - حاج سید محمود - ملک آرائی - احتشام زاده - رحیم زاده - موقر - عباس میرزا فرمانفرمایان - صادقی - رهبری - حاج غلامحسین ملک - نجومی - ایزدی - قاضی نوری - جدیدی - شهیداد - نوبخت - کیای نوری - اعتماد - فرزند - دکتر عظیمیا - آقا سید مرتضی وثوق - حاج علی اکبر امین - دکتر مهدیخان ملک زاده - امیر دولتشاهی - مؤید اخدی

۵- شور ثانی و تصویب لایحه وظیفه وراثت مستخدمین نظامیه

رئیس - راپرت کمیسیون داخلیه برای مستخدمین نظامیه که در نتیجه ایفاء وظیفه تلف شده اند قرائت میشود :

خبر بین الدورین کمیسیون

کمیسیون داخلیه برای مطالعه لایحه نمره ۳۰۷۴ دولت اجمع به مستخدمین امثولای نظامیه تشکیل و لایحه زبور ابرای شور دوم مورد مطالعه قرار داده و فقط يك فقره پیشنهاد از طرف آقای کیانوری رسیده بود پیشنهاد زبور مورد توجه واقع نشده و عین خبر شور اول را غیره کرایه میکنند میرد و اینهم بوسیله هوا پیمائی میرد و برای خاطر اینکه بدانید که چرا مسافر کم و زیاد میشود این را البته مذاکرات شده با اداره هوا پیمائی يك استدلالی میکنند راجع باینکه اغلب هوا پیمائی است مصارف بترین ما اغلب زیاد میشود و هم يك مخارج دیگری بهش تعلق گرفته است ولی برای اینکه مطالعه باشید عرض میکنم که يك ترتیبی دارند میدهند که تفاوت فاحشی داده نشود در آن نظامنامه آن نظر مراعات میشود و نظر حضرتعالی تأمین میشود .

رئیس - ماده واحده قرائت میشود :

ماده واحده - از تاریخ اجرای قانون استخدام کلیه مستخدمین نظامیه اعم از صاحب منصب و مأمورین بارتیه ردیف افراد (خواه مشمول قانون استخدام کشوری باشند خواه نباشند) که در نتیجه ایفاء وظیفه تلف شده اند یا خواهند شد دو نلک بلاکسر آخرین مقرری خدمت آنها بدون رعایت سن و مدت خدمت در باره رتبه قانونی آنها که در ماده سه قانون وظائف مورخه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۶ تصریح شده وبعلاوه درباره برادر خواهری که در کفالت آنها بوده اند بعنوان وظیفه بطور تساوی برقرار و از زمان فوت بآنها پرداخته خواهد شد .

رئیس - شور دوم ماده واحده مطرح است . آقای

ملک مدنی - موافقم .

رئیس - آقای باسالی

باسالی - موافقم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده در قسمت قانون استخدام که مینویسد ملوم نشده است که کدام قانون استخدام است يك قانون

استخدام برای نظامیه ما گذرانیدیم یکی هم قانون استخدام کشوری است منظور دولت کدام قانون استخدام است اگر قانون استخدام کشوری باشد توضیح بدهند بنده اشکالی ندارم

مخبر کمیسیون (وثوق) - فرمایش آقای اعتبار

هر چند توضیح واضح است ولی پیشنهاد بفرمائید مقصود قانون استخدام کشوری است بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم ولی چیزیکه لازم است در این لایحه توضیح داده شود و لازم بود تذکر داده شود آن ابرادی بود که آقای آقا سید یعقوب فرمودند و چون بعضی آقایان نمایندگان هم در خارج همین ایراد را داشتند بنده لازم دیدم این توضیح را عرض کنم که رفع ایراد بشود فرموده بودند در جلسه قبل که محل پرداخت حقوق این اشخاص که متقاعد میشوند کجا است محل پرداخت همان صندوق تقاعد است ولی برای اینکه اینها حقوق تقاعد پرداخته اند اداره نظامیه این کار را پیش بینی کرده از ۱۳۰۷ ببعد اداره نظامیه از کسانیکه فوق اشل بوده اند حقوق تقاعد گرفته است و اشخاصی هم که مستخدم ادارات نظامیه بوده اند غیر فرم آنها هم که داده اند ولو اینکه تحت اشل حقوق میگردفته اند ولی افراد ردیف را از ۳۰۷ حقوق تقاعد ازشان گرفته اند و این چند نفر همانطور که آقای وزیر داخله توضیح دادند چند نفر بیشتر نیستند اینهارا قرار گذاشتند از هزار و سیصد و دو ببعد حقوق تقاعد اینمدمت را اگر نداده اند از آن ببعد بطور استهلاك بپردازند و مدت گذشته را از آنها بگیرند باین جهت رفع ایراد حضرتعالی میشود و آن قسمت را هم پیشنهاد بدهید .

رئیس - آقای کیا

کیا - بنده میخواستم عرض کنم که مستخدمین نظامیه ... (بلندتر) خوب خدمت کرده اند و اینها برای آسایش و امنیت ما خیلی زحمت کشیده اند و زحمتشان نسبت بسایر مستخدمین خیلی زیادتر است برای اینکه در يك روز های گرمی که همه ما در يك

جاهای سردی هستیم آنها در يك نقطه هائی در آفتاب خدمت میکنند و در شب های سرد که مادر يك گوشه هائی پناه میبریم آنها همه زحمت میکشند و در نتیجه خدمت البته خیلی از اینها مریض میشوند و بواسطه همان مرض هم تلف میشوند لایحه اول دولت خیلی زنده بود چون خیلی از آنها را حقوقشان را تضییع میکرد يك اشخاصیکه در نتیجه خدمت مریض میشدند و تلف میشدند آنها را شامل نمیشد و خیلی باید تشکر کرد که قدر دانی کرده اند و کمیسیون لفظ مقتول را به تلف تبدیل کرده اند و لفظ تلف هم همینطوریکه در نظر داشتند شامل اشخاصیکه در ایفاء وظیفه تلف میشوند میشود اما چون در تجربه ما دیدیم وزارت مالیه خیلی اشکال و سختگیری میکند و اشکال تراشی در تعبیر قانون میکند باین جهت بنده پیشنهاد کردم که لفظ تلف توضیح داده شود و همان معنائی که کمیسیون و دولت در نظر داشته است که تلف اعم از این باشد که مقتول شده باشد یا تلف شده باشد شامل هر دو است این توضیح داده شود که هیچوقت در مالیه تولید اشکال نشود چنانچه آقایان هم ملاحظه کردند قانون استخدام هم این را دارد فوت در نتیجه مرض را و این توضیح این جا مضرت نیست بلکه ممکن است در بکمواقعی نافع باشد حقیقه این مؤسسه که این خدمت بزرگ را متحمل شده که امنیت را برای ما ایجاد میکند و خاصه با این ترتیب اتوموبیل رانی زحمتی که اینها میکشند بنده تصور کردم اگر این پیشنهادی را که دارم در برائت توضیح داده شود این توضیح ضرر ندارد و مانع از يك اشکال تراشی ها و سوء تفاهم مامورین مالیه خواهد شد زیرا این را آقایان مکرر مذاکره کرده اند که قانون از طرف دولت با يك حسن نیتی میاید و از طرف آقایان نمایندگان هم با يك حسن نیتی تلفی میشود اما در دست مامورین جزء با يك سختی و ملاحظات اجرا میشود آنجاست که این الفاظ خیلی دقیق شده و برای آنها فلسفه تراشیده و حتی الامکان نفع دولت تمام کنند و بضرر مردم؛ لذا بنده خواستم

استدعا کنم که در تعقیب این امر يك توضیحی که هیچ ضرر ندارد و برای آتیه و اشکال تراشی ها میان نافع است.

مخبر - خدمات و وظایف مستخدمین نظمیته بدین است که نسبت بسایر مستخدمین بیشتر است و خدمات آنها هم بلاشک قابل تقدیس است و بهمان جهت هست که این لایحه را برای افراد آنها آورده اند که از حقوق تقاعد بهره مند شوند و این پیشنهادی که آقای کرموند در کمیسیون مطرح شد و من گمان میکنم همان مقصودی که آقا می فرمایند میشود معذک برای اینکه خیال شان از این حیث هم راحت شود قانون استخدام افراد نظمیته از طرف دولت بمجلس پیشنهاد شده و هنوز شور اولش در کمیسیون تمام نشده وقتی مطرح شد قرار شد که همین پیشنهاد آقارا در آنجا عمل کنند و منظور کنند و برای اینکه تکلیف این آقایان که موقوف مانده است زود تر تمام شود خوبست موافقت فرمائید که این کار بهمین ترتیب بگذرد

رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار رسیده است؛ پیشنهاد میکنم بعد از جلسه قانون استخدام که کدوری اضافه شود اعتبار

اعتبار - بنده توضیح زیادی ندادم جز همان که عرض کردم و تصور میکنم برای رفع اشکال و سوء تفاهم هائی که در مالیه میشود این توضیح لازم باشد.

مخبر - بنده قبول میکنم.

رئیس - رأی میگیریم بماده واحده با افزایش پیشنهاد آقای اعتبار که آقای مخبر اجابت کردند موافقین قیام فرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد

[۶] اجازه تمدید کترات دو نفر معلمین فرانسوی دو نفر معلمین فرانسوی مدرسه حقوق مطرح است قرائت میشود:

خبر کمیسیون بودجه

لایحه نمره ۲۳۳۷-۷۰۲۳ دولت راجع بتمدید کترات دو نفر معلم فرانسوی مدرسه حقوق را با حضور آقای معاون وزارت معارف مطرح و مورد شور قرار داده اینک مراد پیشنهادی را که عیناً کمیسیون موافقت نموده است برای تصویب تقدیم مجلس مقدس شورای ملی مینماید

رئیس - خبر کمیسیون معارف قرائت میشود.

خبر کمیسیون معارف:

کمیسیون معارف در جلسه ۲ مراد با لایحه نمره ۲۳۳۷ وزارت موافقت نمود اینک موافقت کمیسیون معارف مجلس مقدس شورای ملی میرساند.

رئیس - خبر کمیسیون خارجه در این خصوص قرائت میشود:

خبر کمیسیون امور خارجه

لایحه نمره ۲۳۳۷-۷۰۲۳ دولت راجع به تمدید کترات دو نفر معلم فرانسوی مدرسه حقوق را در جلسه ۳ تیر ۱۳۰۹ کمیسیون امور خارجه مطالعه شده چون با ملیت آنها مخالفتی نبود عین لایحه را تصدیق و تصویب نمود

رئیس - عین مواد قرائت میشود:

ماده اول - وزارت معارف مجاز است استخدام دو نفر معلم فرانسوی مدرسه حقوق را که بموجب قانون ۱۶ شهریور ۱۳۰۶ بتصویب رسیده از آخر خرداد ۱۳۰۹ برای مدت سه سال تمدید نماید

ماده ۲ - حقوق هر يك از معلمین مزبور در سال ۵۴۰۰ تومان است

ماده ۳ - وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام معلمین مزبور را مطابق قانون استخدام اتباع خارجه مصوب ۲۳ عفر ۱۳۰۱ تعیین و قرار داد آنها را امضاء نماید.

رئیس - مذاکره در کلیات است آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - بنده اساساً موافق هستم لکن يك موضوعی را (چون آقای معاون هم تشریف دارند)

خواستم بعرض برسانم در دوره ششم که این قانون از مجلس گذشت يك پیشنهادی آقای ضیاء الملک کردند اینجا و آن پیشنهاد هم طرف توجه مجلس شد و بعد بنا شد وزارت معارف مأمور اجرای این باشد آن پیشنهاد این بود که این معلمینی که می آیند و درس میگویند بزبان فرانسه است این درس اینها باید ترجمه شود بفارسی وقتی که بفارسی ترجمه شد منتشر میشود وقتی که منتشر شد مثلاً اشخاصی که ما داریم و دانایان بزبان فرانسه هستند و علمای زبان هستند کاملاً مستحضر می شوند از مرتبه دانائی و بینائی آنها اما اینها را که میآیند اینجا همان درس را بفارسی میدهند بشاگردان و ترجمه نمی شود و آن منافعی که ما باید از آنها ببریم نمیبریم اینجا مفصل صحبت شد از جمله فوائدش این بود که اگر این دروس منتشر شود در تمام ایران منتشر میشود و خیلی در این زمینه صحبت شد مجلس هم قبول کرد در اینجا هم چند جلسه صحبت شد يك نفر از نماینده ها بود یا يك نفر از اعضاء دولت بود که در مقام جواب بودند نظرم نیست لکن این عملی نشد بنده خواستم تذکر بدهم که مجلس شورای ملی کاملاً موافق است با زحمات و خدمات دولت ما با دولت اشتراك مساعی داریم هر قانونی که نمیشود بآن عمل کرد یعنی که در مقام عمل گرفتار مشکلاتی میشود و موانعی دارد ممکن است دولت لایحه بیاورد یا اصلاح آن قانون را بخواهد یا لغو قانون را بخواهد چرا؟ برای اینکه قانون را که قانون آسمانی نیست که نشود تغییرش داد و الی الابد باید باقی باشد قانونی است برای پیشرفت کار اگر میدانید که این عملی نیست یا اینکه منافعی ندارد و نگاه کردید دیدید لازم است قانونی از مجلس بگذرد بیاورید خوب مجلس برای چیست؟ برای اصلاح قانون است برای تفسیر برای نقض برای تغییر قانون است. اگر عملی نیست بگوئید عملی نیست پیشنهاد بدهید مجلس اصلاحش میکند. مجلس برای این است هم جور هم دولت اتکاء و پشتیبانش بمجلس است مجلس هم مخالفتی ندارد خواستم برای حفظ آن

قانون این را گفته باشم و الا بنده با این لایحه مخالفی ندارم و کاملاً موافقم و این معلمین هم از قراری که من تحقیق کرده ام در کارهای خودشان ساعی و جدی بوده اند همین مسئله عمل شدن باین قانون بود که میخواستم عرض کنم

رئیس - آقای فیروز آبادی؟

فیروز آبادی - مخالفم

رئیس - آقای عدل

یکتفراز نمایندگان - نیستند

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای طاهری

طاهری - بنده موافقم آقای آقا سید یعقوب هم اساساً مخالفت نکردند بلکه اظهار کمال موافقت را کردند منتهی نظرشان این بود در قانونی که گذشته اگر آن قانون قبلاً برای آنها تکلیفی معین کرده و عملی نیست بیاورند و اصلاح کنند بنده که در نظر ندارم همچو تکلیفی باشد در عین اینکه عملاً آن موادی را که آنها درس میدهند آن جزوه ها نوشته میشود یعنی خود شاگردان آنها را مینویسند این الان هست و معمول است و منتشر میشود و در اصل خود موضوع هم آقای آقا سید یعقوب موافق بودند و اگر هم تکلیفی آنها داشتند و عمل نکرده اند و عمل نبوده است بعد قانون را میآورند و اصلاح میکنند و این لایحه را همه اعضاء کمیسیون موافق بودند آقای آقا سید یعقوب هم موافق هستند.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائی که نظرم هست که هر کس استخدام میشود جهت این مملکت اگر خوب خدمت کرده در اینجا خدماتش باید شرح داده شود و اظهار تشکر شود از او و اگر بد خدمت کرده در اینجا اظهار دلالتگی بشود از او. من میل داشتم اولاً آقای معاون وزارت معارف شرح بدهند خدماتی را که اینها وظیفه شان بوده است آیا کاملاً انجام وظیفه کرده اند یا خیر؟ و اگر داده اند ما همه مطلع

باشیم و اظهار رضایت بکنیم و مثل بعضی از مستخدمین اروپائی نباشند که بیایند این جا و ابتدا انجام وظیفه نکنند بلکه اغلب اخلاق ما را فاسد می کنند و میروند و هیچ نام نیکی از خودشان باقی نمی گذارند این یکی. دیگری اینکه حقوق اینها در سال گذشته گویا ماهی سیصد تومان بود نظرم نیست حالا یک مرتبه آمده اند سالی پنجاه تومان اینقدر زیاد کرده اند بچه ملاحظه است ممکن است بفرمائید که بچه ملاحظه بوده است حالا شاید آقا بفرمائید که خوب آنها قبول نکرده اند بنده هم عرض میکنم که آنها اگر قبول نکرده اند در دوره اول چرا قبول کرده اند و از مملکت شان آمدند خوب حالا هم که قبول نکرده اند یک چند نفر دیگر را بیاورید که قبول کنند. مقصود این است که این یک وضع بدی است هر کس می آید این جا در اول با یک حقوق کمتری می آید بعد می گویند در زیاد تر می خواهم دولت هم قبول می کند. خیر دولت مجبور نیست قبول نمی کنند نکنند در فرنگ اشخاص بیکار زیاد هستند (کاررونی - علتش ترقی اسعار است) خرج اسعار ما چندان ترقی نکرده است (اورنگ - بفرمائید بعد جواب عرض میشود) این دونا سوم اینکه الان دوسه ماه از موعد این کنترات ها می گذرد خواستم تذکر بدهم خوبست هر وقتی دولت می خواهد کنترات کند قبل از موعد لایحه اش را بیاورد و کنترات کند نه اینکه سه ماه که گذشته بعد کنترات کنند حالا مجلس آمد و در آن داد فرض محال که محال نیست آنوقت سه ماه گذشته چه میشود؟ اسباب زحمت خواهد شد پس بهتر این است که دولت هر وقت یک کسی را می خواهد کنترات کند قبل از انقضای موعد کنترات کنند تا آنکه بعضی محظورات پیش نیاید. چهارم اینکه اینها الان در این جا هستند و تازه نیامده اند و بنا بر این خرج ایاب و ذهاب ندارند و این حق را بموجب قانون پیش گرفته اند دیگر بفرمائید جهت آمدن و رفتن حقوق نباید جهت آنها منظور شود این بود عرایض بنده خواستم توضیحی بدهند

معاون وزارت معارف (آقای فرخ) - برای

استحضار خاطر محترم آقا عرض میکنم که معلمین اروپائی که ما داریم در وزارت معارف کاملاً مراقبت میکنیم که بقاء وظایف خودشان را بکنند و میکنند و اگر بر فرض حال يك همچو معلمی پیدا شد که نکرد وزارت معارف در قدم اول کسی است که فوراً او را از خدمت خارج بفرماید و این دو نفر معلم که مسیو فون تانا و مسیو بلانیول هستند یکی از بهترین معلمین هستند که در خدمت وزارت معارف هستند و وزارت معارف نهایت رضایت را از طرز تدریس از معلومات از جدیت شان در کار و از خدماتی که انجام داده اند کاملاً دارد حتی کارهایی هم که ما در خارج داشتیم غیر از معلمی از نقطه نظر علمی و مشاوره مثلاً در امتحانات و غیره کاملاً ما خدمت کرده اند. اما راجع بحقوق آنها و اضافه که فرمودند آقا که در اروپا بیکار زیاد است بلی زیاد است در اروپا دکتر دکتر در يك علمی - دکتر اگر چه در امتحان اگر کاسیون را داده باشد بیکار نیست و عدده شان هم زیاد نیست بنده خاطر مبارك آقا را اطمینان میدهم که یکتفراز دکتر در اروپا بیکار نیست و با این حقوقی هم که ما میدهم بدرجات زیاد تر برای آنها کار پیدا میشود و اینها که فرمودند چرا یکی دو ماه غفلت شده است عرض کنم خدمت آقا که آنها با این مبلغی که ما استخدام کردیم حاضر نمی شدند حتی اینکه ما مابوس شدیم از استخدام این دو نفر زیرا از نقطه نظر تغییر پول و مشکلات دیگر نمی خواستند کنترات شوند ما مراجعه کردیم که معلمین دیگری را استخدام کنیم معلمین دیگر با این درجه معلومات علمی خیلی برای ما گرانتر تمام می شد شاید دو برابر این اضافه که دادیم گرانتر تمام میشد باین دلیل آکرات ما با آنها بطول انجامید تا بالاخره موفق شدیم ما را راضی کردیم از این جهت يك قدری طول کشید و راجع بخرج راه که فرمودند و در لایحه تقدیمی ما ملاحظه فرموده اند ذکر از خرج راه و خرج سفر کرده است و خرج راه داده نمیشود فقط همان مبلغی است در همین کنترات ذکر شده است تا روز ختم کنترات

و کنترات را هم که تجدید کنیم حق اخذ حق مراجعت را ندارند یعنی حق خرج راه برای مراجعت ندارند عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است آقا رئیس - رأی میگیریم بورد در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود. (بشرح سابق قرائت شد) رئیس - آقای طاهری طاهری - موافقم رئیس - آقای فیروز آبادی فیروز آبادی - بنده يك عرض مختصری دارم. يك سؤال دارم پول ما بنا است تغییر بکند و پهلوی بشود این جا حالا بلفظ تومان نوشته اند وقتی که تغییر کند آیا فکر این را کرده اند که بيك محظوری فردا بر نخورد - تومان همین تومان است و تغییر هم بکنند بهمین میزان تومان پهلوی میشود دیگر فردا گفته نشود پول ما پهلوی شده و آنوقت تومان بود حالا باید زیادتر بدهیم آقا سید یعقوب - ده حالا بادشان نیاور دیگر فیروز آبادی - مقصود تذکر است باید گفته شود و یاد آوری شود که فردا تولید اشکال نکند. عرض دیگر این است که فرمودند آنها قبول نمی کنند بنده عرض میکنم که چطور شد در درسال پیش قبول کردند و بکمتر از این آمدند - حالا نمیکنند - شمای خواستید این ترتیب را این جا موقوف کنید که هر کس نیاید مثل کارل که آمد اول با هفت هزار تومان حقوق آمد بعد بکمتر ب ۲۹ هزار تومان شد چون دید ما پافشاری میکنیم و او را قبول می کنیم او هم فشار آورد و هفت هزار تومان را آورد و کرد ۲۹ هزار تومان که بعقبه بنده هفت هزار تومان و بیست و نه هزار تومان ضایع میشود عرض میکنم اینها قبول نمی کردند دیگران که قبول میکردند میخواستید بیاورید و چطور از اول قبول کردند پاسالی مخبر کمیسیون بودجه - اما راجع بمسکوک

مملکت که فرمودید واحد پول مملکت تغییر میکند هر معامله که با سایر معاملات مردم میشود در این مملکت با این یکی هم همان جور معامله میکنند و میزانی که دولت و مجلس در آینه معین میکند نسبت بهم با این یکی هم رفتار میشود نسبت به این جزئی هم در تحت همان قاعده کلی عمل میشود. راجع باضافه شدن حقوق این معامین بطوریکه نماینده دولت هم توضیح دادند یکی بواسطه تفاوت نرخ اسعار حاصل شده است يك قسمت دیگر هم این است که زندگی در طهران گران شده است زندگی در طهران مثل بعضی پای نخت های مهمه دنیا شده است شاید خیالی می کنید که زندگی سهل و ساده در طهران میشود کرد ولی وقتی که می آیند این جا میبینند خیر. حقا هم باید تصدیق کرد بجهت اینکه بنده مبینم بعد از دوسه تا پهای نخت طهران از حیث گرانی زندگی در درجه اول است بنا براین نمیشود اعتراض کرد بعلاوه وزارت معارف هم بآنها نمی خواهد چیز زیادی بدهد اگر آنها قبول می کردند میل که نداشت زیاد تر بدهد لابد آنها قبول نکرده اند و وزارت معارف هم دیده است اگر بخواهد استخدام جدیدی بکند زیاد تر از این تمام میشود و يك خرج سفری هم باید داده شود و تقریباً به بیشتر از این مبلغ تمام میشود بالا اقل معادل همین مبلغ می شود این بوده است که قبول کرده.

رئیس - رأی میگیریم بماده اول موافقین قیام نمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم:

(بشرح گذشته قرائت شد)

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای ظاهری

ظاهری - موافقم

رئیس - آقای ونوق

ونوق - موافقم. مخالفی نیست.

آقا سید یعقوب - چرا بنده عرض دارم

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - اینجا آقای یاسائی در این ماده نوشته است حقوق اینها از روز وارد شدن بطهران داده خواهد شد در قانون سابق این جور است یعنی در قانون استخدام هشت نفر معلم از فرانسه برای سه سال در این لایحه که ذکر شده است این معین نشده است حالا خواستم به بندهم در کیسیون بودجه تاریخ معین شده که از چه موقعی است؟

مخبر - عرض میشود گویا در ست ماده اول را آقای قرائت نفرمودند نوشته شده است از آخر خرداد ۱۳۰۹ برای مدت سه سال. پس قید مدت و تعیین مدت شده است.

رئیس - آقای اورنگ موافقت؟

اورنگ - بلی. مخالفی نیست

رئیس - رأی میگیریم بماده دوم آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم:

(بمضمون سابق خوانده شد)

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای ونوق

ونوق - موافقم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - مخالفی نیست.

رئیس - رأی میگیریم بماده سوم آقایان موافقین قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. شور در کلیات ثانی است.

مخالفی نیست؟

(انظاری نشد)

رئیس - رأی میگیریم بورقه آقایان موافقین ورقه بد خواهند داد.

اخذ و استخراج آراء بعمل آمده و نتیجه بقرار ذیل حاصل شد

(ورقه سفید علامت قبول ۶۹ ورقه کبود ۱)

رئیس - عده حاضرین ۸۷ با اکثریت ۶۹ رأی در برپ شد

رئیس - آقای وزیران فرمایشی داشتید؟

۸ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای رئیس الوزراء

رئیس الوزراء (آقای حاجی مهدیقلی خان هدایت) -

فقره لایحه است که تقدیم میشود یکی راجع است يك اصلاحاتی در امر ممیزی. یکی هم يك فقره خرج سفر است برای یکی از اجزائی که مستحق است. خیلی عذر بخواهم ببخشید عرض کردم که خرج سفر خیر خرج سفر نیست خرج تحصیل است برای بچه های يك متوفائی که استحقاق دارند

فیروز آبادی - قانون خرج تحصیل که گذشته عدل - قرائت شود

۹ - بقیه شور اول لایحه بانك فلاحتی از ماده ۸

رئیس - ماده هشتم قانون بانك فلاحتی قرائت میشود ماده ۸ - نسبت بقرضهائی که مدت آنها پیش از سه سال باشد علاوه بر منافع سالیانه ممکن است مبلغی بعنوان اقساط استهلاك منظور شود و اقساط استهلاك منظور شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك موضوعی در این لایحه است بنده همیشه توجه ام اینست که وزیر محترم خارجه توجه کنند و دولت توجه کند بنده در این لایحه آنچه که بنحود

وعده میدادم همینجور بملت وعده میدادم که این لایحه است برای ارفاق و همراهی کردن مردم است در سعی و عمل یعنی نظر بنده خودم این جور بود و در آن حسن ظن و نظریاتی که بدوات دارم و آن آرزویی که دارم و بقیه هم همینطور است و آن این است که این مواد را بآن نظری که دارم هی معنی کنیم در تحت آن معنی از این نظر بقدری که امکان دارد چون این فلسفه در مغز من نخر است میخواهم موادی که میاید بنطق با این مقصود باشد این جا نوشته شده است قرضه هائی که مدت آنها پیش از سه سال باشد علاوه بر منافع سالیانه ممکن است مبلغی بعنوان اقساط استهلاك منظور شود مثلاً از اول يك شخصی که میخواهد استقرض کند بر طبق آن ماده چهارم که خیلی ماده خوبی است که پول نباید تلف بشود و واقعاً ایجاد قنوات و توسعه فلاحت کرده باشد حالا در این ماده استقرض که شد ما آمده ایم و این قید آخر را کردیم که بعنوان استهلاك منظور شود و اقساط بدهد اگر بانك فلاحتی از اول این حق الاستهلاك را در نظر بگیرد يك قدری هم برای حق الجماله در نظر بگیرد بنده گمان میکنم نتواند از عهده آن چیزی که ما در نظر میگیریم بر آید و عقیده بنده این است که این موضوع استهلاك را از اول ما در نظر نگیریم سه سال باو بدهیم یا چهار سال یا پنج سال و برای استهلاك این مدت سه سال از اول نباشد اگر از پنجسال تجاوز کرد آنوقت استهلاك را در نظر نگیرند نه سه سال زیرا این سه سال چیزی نیست که این پولی را که گرفته باو منافع بدهد و باید

اسامی موافقین - آقایان: شریعت زاده - قاضی نوری - امین یور محسن - دکتر لقمان - حاج سید محمود - احتشام زاده - نوخت - مؤید احمدی - آقا مرتضی ونوق - آقا زاده سبزواری - آقایان: انغوی - کازرونی - اورنگ - مقفی - ملک آراالی - دیوان یکی - اسدی - ضیاء - لاریجانی - مسعودی - محمد علی میرزا دولتشاهی - ابر دولتشاهی - تنکدار - اسعد - شهسود - اقبال - ایزدی - مولوی - کبزی نوری - جدیدی - عراقی - بالیزی - حبیبی - یاسائی - ایلخان - ارکامی - دکتر سنک - صالح خان - موقر - رحیم زاده - صادقی - انسر - همراز - طباطبائی دیا - مجد ضیائی - دربانلی - دکتر عظیمیا - دهستانی - امیر تیمور - مصباح فاطمی - ساکنیان - رهبری - شریفی - عدل - ملک مدنی - کذافی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - طاهری - وهاب زاده - طباطبائی وکیللی - فرمند - خواجوی - زوار - ملک زاده - ذوالقدر - حاج غلامحسین ملک - فهیمی - بزرگ نیا - خلف - آقای فیروز آبادی

يك مدتی برش بگذرد و بفايده كه رسيد و مفيد واقع شد آنوقت استهلاك و اينطور بنيد در واقع اين نظر محفوظ بماند اما نه از اول كه يك نفر رفت و سر يك بزكي سر يك رنگي و بگويد من همچو فلاحيت ايجاد مي كنم همچو تنها كوي كارم همچو پيله ابريشم عمل مي آورم پول را باو بدهيم خير من كلاه بر داري را عقیده ندارم بايد برای توسعه فلاحيت داد مدت استهلاك هم بعد از سه سال در نظر گرفته شود زیرا کسی که بخواید چیزی را عمل بیاورد فلاحيت را ترويج كند سه سال برایش كم است و این از عهده عمل آوردن آن چیزی كه منظور نظر بوده بر نمی آید مقصود بنده این بود.

كفيل وزارت اقتصاد ملي (آقای فروری) - گمان

ميكنم اين ماده كاملاً موافق منظور آقای آقا سيد يعقوب تنظيم شده است بجهت اينكه اين جا ما ملاحظه كرديم قرضهائی كه مدت زياد دارد غالب اين است كه مبلغش هم بالنسبه مهم است و زياد است. حالا كه مبلغش مهم است اگر بگذاريم بعد از ده سال مثلاً بدهد يك مرتبه بخوانند اين مبلغ را از قرض كنده مسترد بدارند شايد استرداد سرمايه براي آن قرض كنده يك مرتبه ممكن نباشد و دچار مضيقه و اشكال ميشود: اين بود كه اينجا اجازه داده شد به بانك كه با قرض كنده يك قراري بگذارد كه اگر ميل دارد با بانك حاضر است و طرف را مستحق می داند يك قرار استهلاكی بدهد نه در آخر موعدي اگر موعدي سر رسيد يك مبلغ گزافي بر عهده قرض كنده نماند كه براي او سنگين باشد لذا اين جا گفته شد قرضهائی كه مدت آنها پيش از سه سال باشد علاوه بر منافع سالانه مبلغی بعنوان استهلاك بطور اقساط منظور خواهد شد حالا اين بسته است بتراضي بين قرض كنده و بانك قرض كنده استطاعت خودش را می بيند بانك هم ملاحظه خودش را مي كند و قرار ميگذارد شايد از سال اول قرار بگذارند و استهلاك كنند شايد از سال پنجم و اين همه شقوقش ممكن است و از برای ارفاق بقرض كنده است

رئيس - آقای آقا
كياورى - موافق
رئيس - آقای فيروز آبادي

فيروز آبادي - بنده با استهلاك خوبى موافقم عقیده ام اين است كه يك نظريه خوبى است اين استهلاك اما يك سئوالى داشتم و آن اين است كه خوب نيست كه اجرت اين را كه از اصل ميدهد مثلاً سال چهارم با يك مقدارى از اصل ميدهد بابت استهلاك و مقدارى هم با اجرت ديگر اجرت آن مبلغيكه از اصل داده ميشود محسوب شود چون اين معني ندارد مبلغى كه بابت اصل سرمايه ميدهد اجرت او را هم محسوب كنند اين را مى خواست توضيح بدهند كه آن مبلغى كه از اصل ميدهند آن مبلغ نبايد داشته باشد و آن سهم استهلاكى منفعتم تعلق نميگيرد

كفيل وزارت اقتصاد ملي - اين يك ترتيب مناسب است در ترتيب استقراض و قرض و مسلم است كه در سرمايه

كه رد شد ديگر نفع ندارد و ربح برش تعلق نميگيرد عده از نمايندگان - صحيح است. كافي است

رئيس - پيشنهاد آقای فريمى قرائت ميشود: پيشنهاد ميكنم در آخر ماده ششم اضافه شود: اولى مديونين در هر موقع ميتوانند دين خود قبل از انقضاء مدت جزء و كلاً بپردازند در اين صورت آنچه از اصل كه قبلاً تاديه ميشود براي مدت باقى مانده از تاديه منافع معيئه در قرار داد معاف خواهد بود

رئيس - ماده نهم قرائت ميشود: ماده ۹ - مدت قرض از ده سال نبايد تجاوز كند ولى رئيس بانك ميتواند با اجازه شورای ادارى مدت بيشتري معين نمايد و اين فقط در صورتى است كه براي حصول مقصودى كه از استقراض برطبق ماده ۴ در نظر گرفته شده پيش از ده سال مدت لازم باشد

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب
آقا سيد يعقوب - خواستم توجه بدهم آقای وزير را كه توضيح داده شود - نوشته است كه مدت قرض از

سال نبايد تجاوز كند اگر مثلاً تا هشت سال قرض اول كشيده و آمد و تجديد كرد بعد از تجديد آن هشت سال جزء همان ده سال است با اينكه از سر گرفته بشود مثلاً يك قرض ده ساله کرده است و آمده است در هشت سال تجديد کرده است و مال المصلحه اين دين را داده است حالا اين جا چه صورت دارد ميشود از سر گرفت با اين كه ميگويند دو سال ديگر بيشتر ميتواند چون از اول قرض تا آخر دو سال ديگر كه بيشتر نمانده است پس ترتيبش چه جور است دو سال ديگر بيشتر مدت برایش باقى نمانده است يا اين كه دو سال تمام شد از سر گرفته ميشود.

كفيل وزارت اقتصاد ملي - اين كه معين است مثل ترتيب معمول هر وقت تجديد بكنند كه مدت قبل راجزء مدت بدين حساب نميكنند در تجديد هم مدت همان ده سال است در ترتيب استقراض و قرض و مسلم است كه در سرمايه

كه رد شد ديگر نفع ندارد و ربح برش تعلق نميگيرد عده از نمايندگان - صحيح است. كافي است

رئيس - پيشنهاد آقای فريمى قرائت ميشود: پيشنهاد ميكنم در آخر ماده ششم اضافه شود: اولى مديونين در هر موقع ميتوانند دين خود قبل از انقضاء مدت جزء و كلاً بپردازند در اين صورت آنچه از اصل كه قبلاً تاديه ميشود براي مدت باقى مانده از تاديه منافع معيئه در قرار داد معاف خواهد بود

رئيس - ماده نهم قرائت ميشود: ماده ۹ - مدت قرض از ده سال نبايد تجاوز كند ولى رئيس بانك ميتواند با اجازه شورای ادارى مدت بيشتري معين نمايد و اين فقط در صورتى است كه براي حصول مقصودى كه از استقراض برطبق ماده ۴ در نظر گرفته شده پيش از ده سال مدت لازم باشد

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب
آقا سيد يعقوب - خواستم توجه بدهم آقای وزير را كه توضيح داده شود - نوشته است كه مدت قرض از

سال نبايد تجاوز كند اگر مثلاً تا هشت سال قرض اول كشيده و آمد و تجديد كرد بعد از تجديد آن هشت سال جزء همان ده سال است با اينكه از سر گرفته بشود مثلاً يك قرض ده ساله کرده است و آمده است در هشت سال تجديد کرده است و مال المصلحه اين دين را داده است حالا اين جا چه صورت دارد ميشود از سر گرفت با اين كه ميگويند دو سال ديگر بيشتر ميتواند چون از اول قرض تا آخر دو سال ديگر كه بيشتر نمانده است پس ترتيبش چه جور است دو سال ديگر بيشتر مدت برایش باقى نمانده است يا اين كه دو سال تمام شد از سر گرفته ميشود.

رئيس - ماده ۱۱ تهتمات استقراض كنده بشرح ذيل بايد در قرار داد تصريح شود: الف - قبول اين كه هرگاه در موعدي معين مبلغى كه بايد بعنوان منافع سالانه با قسط استهلاك تاديه نمايد بپردازد بانك حق دارد به مديون اخطار نمايد كه اگر در ظرف يك ماه منافع با قسط مقرر پرداخته نشد دين مؤجل او حال شده و كليه وجه استقراضى و منافع فوراً قابل استرداد ميشود و در اينصورت چنانچه در ظرف ششماه از تاريخ وصول اخطار نامه سفارشى بانك مديون كليه دين خود را بپردازد بانك از طرف مالك وكالت دارد ملك يا قسمتى از آنرا كه موضوع وثيقه است بطور مزايده بفروش رسانيده مطابق مقررات قانونى طلب خود را استيفاء نمايد.

اصلاح شود بفرمائيد حذف شود
رئيس - حذف ميشود پيشنهاد آقای فريمى قرائت ميشود؟
پيشنهاد آقای فريمى

بنده پيشنهاد ميكنم تبصره ذيل بعنوان تبصره ۲ در آخر ماده ۱۰ اضافه شود
تبصره ۲ اجاره و استيجار املاك مروهئى نزد بانك بايد با اطلاع بانك بوده رسواي اجاره نامچه بايد در بانك ضبط شود.

رئيس - ماده ۱۱ قرائت ميشود:
ماده ۱۱ تهتمات استقراض كنده بشرح ذيل بايد در قرار داد تصريح شود:

الف - قبول اين كه هرگاه در موعدي معين مبلغى كه بايد بعنوان منافع سالانه با قسط استهلاك تاديه نمايد بپردازد بانك حق دارد به مديون اخطار نمايد كه اگر در ظرف يك ماه منافع با قسط مقرر پرداخته نشد دين مؤجل او حال شده و كليه وجه استقراضى و منافع فوراً قابل استرداد ميشود و در اينصورت چنانچه در ظرف ششماه از تاريخ وصول اخطار نامه سفارشى بانك مديون كليه دين خود را بپردازد بانك از طرف مالك وكالت دارد ملك يا قسمتى از آنرا كه موضوع وثيقه است بطور مزايده بفروش رسانيده مطابق مقررات قانونى طلب خود را استيفاء نمايد.

ب - قبول اين كه هرگاه در انقضاء موعدي سرمايه استقراضى يا قسمتى از آن با هر نوع بدهى خود را كه ناشى از استقراض است تاديه نكند چنانچه در ظرف يك ماه از تاريخ دريافت اخطار نامه سفارشى بانك دين خود را اداء ننمايد بانك وكالت دارد معادل طلب خود از ملك وثيقه بطور مزايده بفروش برساند

ج - قبول اين كه تمام مخارج ناشى از تاخير در پرداخت دين و يا از فروش املاك بمرده استقراض كنده خواهد بود بابت مخارج مذكوره و يا بابت اصل

سرمایه و یا هر دینی که در نتیجه استقراض بعهده استقراض کننده باشد بانک در استیفای طلب خود بر سایر طلبکارانیکه وثیقه مخصوصی ندارند (باستثنای دولت نسبت به دریافت عوارض و مالیاتها) حق تقدم خواهد داشت.

د - قبول این که هرگاه قیمت ملک موضوع وثیقه در طی مدت استقراض ۳۰ در ۱۰۰ تنزل نماید بانک حق خواهد داشت وثیقه دیگری از سایر املاک استقراض کننده تقاضا کند و هرگاه استقراض کننده مالک املاک دیگری نباشد بانک حق خواهد داشت هر نوع وثیقه دیگری بخواهد و در صورت امتناع استقراض کننده و یا عدم دسترسی بوثیقه دیگر بانک میتواند مبلغی از وجه استقراضی را که در مقابل آن وثیقه موجود نیست مطالبه نماید و بیش از سه ماه برای پرداخت مهلت ندهد تقویم خبره های بانک سندیت داشته و غیر قابل اعتراض است

ه - قبول این که هرگاه وجه استقراضی برای کاری که منظور از استقراض اعلام شده مصرف نشده باشد قرار داد استقراضی طبعاً ملغی میشود و بانک بوسیله مراسله سفارشی تأدیه کل مبلغ بدهی را از مدیون مطالبه نموده و در صورتیکه مشار الیه در ظرف شش ماه دین خود را اداء ننماید بانک بفروش ملکی که بعنوان وثیقه در دست دادر اقدام خواهد نمود در مورد این فقره ریح از ابتدای استقراض تا روز وصول طلب بانک از قرار صدی دوازده محسوب خواهد شد.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - ایراد بنده در قسمت (د) این ماده است زیرا قید میکند که هرگاه قیمت ملک وثیقه از صدی سی تنزل نماید بانک میتواند وثیقه دیگری بخواهد. در ماده پیش ذکر شده است که تا صدی پنجاه قیمت ملک حق دارند قرض بدهند مثلاً يك ملكی ده هزار تومان قیمت دارد طرف نا میزان پنج هزار تومان ممکن است قرض کند و این ملک ممکن است که دو هزار تومان تنزل کند اگر صدی سی تنزل کند باز هفت هزار تومان

قیمت دارد و باز بیش از حد قرضه است پس بجای این که ما حساب را از روی قیمت ملک از قرار صدی سی تنزل میدهیم بگوئیم قیمت ملک از صدی پنجاه مبلغ استقراض تنزل کند و در آن صورت هم به محض که ملک تنزل کرده لازم نیست که بانک در اول وهله وثیقه دیگری بگیرد ممکن است از طرف تقاضا کند که بقیه قرضتان را بدهید مثلاً در این مثل که عرض کردم هزار و پانصد تومان تفاوت پیدا میکند ممکن است بانک تقاضا کند که شما بقیه قیمت ملک را بپردازید و باقیمانده ملک او وثیقه کافی خواهد بود برای بقیه طلب بانک و در صورتیکه حاضر نشد از برای پرداخت قرض و ملک هم از صدی پنجاه مبلغ یعنی دو برابر مبلغ استقراض کمتر شد آنوقت ممکن است وثیقه دیگری بخواهد پس این است که بنده پیشنهادی هم در این زمینه عرض کرده ام که بجای این عبارت نوشته شود در صورتیکه قیمت بکند از صدی پنجاه مبلغ استقراض کمتر باشد بانک میتواند تفاوت را از استقراض کننده تقاضا کند اگر نداد آنوقت حق دارد با آن شرایطی که نوشته شده است عمل کند.

مخبر - این پیشنهاد آقای فهیمی در کمیسیون بیاید و در آنجا دقت میکنیم و نظر میکنیم و چنانچه موافقت شد باین ترتیب اصلاح میکنیم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این ماده يك ماده اساسی است و من توجه میدهم اعضاء محترم مجلس را به این ماده که خوب اصل موضوع که محل توجه خود دولت است همینطور خود قرض کننده نسبت باین ماده حالا در این ماده بعضی چیزها دارد که بنده تذکر میدهم که آقای مخبر توجه بکنند و در کمیسیون اصلاح کنند مثلاً نوشته است دولت نسبت به دریافت عوارض و مالیات ها. مسلماً این همینطور است و هر کجا که تعارض شد بین حق دولت و غیر او حق حاکمیت دولت مقدم است این دیگر لازم نیست و نمیخواهد این جا تذکر داده شود و تصریح شود مثلاً

يك از يك کسی طلبی دارد باعتبار مالیات و عوارض و يك لي دار باعتبار بانک البته بعنوان مالیات مقدم است چرا؟ برای این که راجع به مسئله حاکمیت دولت است آنرا در این ردیف می آورند که ما بخواهیم استثنا کنیم این استثنا مفرغ است باصطلاح خودمان و هیچ داخل نیست زیرا که حق حاکمیت دولت مقدم است. موضوع دیگری هم يك موضوعی است که آقای فهیمی هم اظهار کردند ولي با يك بیان دیگری وقتی دولت وثیقه را قبول میکند ورقه اسناد و ورقه مالکیت را مطابق قانون جدید اگر نظر بکنیم ملزم است آن کسی که می رود تقاضای ثبت میکند (یعنی بر حسب نظامنامه قانون الزام دارد) قیمت ملک را معین کند و مبلغ منافع را هم معین کند باین ترتیب ورقه مالکیت صادر میشود و ورقه مالکیت که صادر شد این امر ثابت است که در دفتر دولت است بعد اگر این ملک تنزل کرد باید بچه دلیل تنزل کرده است مثلاً خانه را برده است به ثبت اسناد رسانده است خانه دو هزار تومان قیمت دارد این را آمد وثیقه از برای قرض قرار داد بعد خانه هزار و پانصد تومان تنزل قیمت پیدا کرد ما بیائیم بگوئیم که اینجاضرر متوجه این میشود باین معنی که دولت یعنی بانک مابقی دیگر این طرف تنزل را از روی ملک دیگرش باید بیاید وثیقه قرار بدهد این را بنده نمیتوانم قبول کنم چرا؟ چون يك معامله بانک در اینجا با دولت کرده است مثل دیگران مثل فلان ناچر یا فلان شخص و آمده است و این وثیقه را قبول کرده است و وقتی که این وثیقه را قبول کرده است ما بیائیم حق حاکمیت دو مرتبه برای دولت در اینجا قائل شویم نه اینجا هم مثل فلان ناچری است که فلان جنس پیش او رهن گذاشته شده است بعد که تنزل پیدا کرد اینجا هم همانطور باشد. موضوع دیگر هم که اینجا نوشته است تقویم خبره های بانک سندیت داشته و غیر قابل اعتراض است بنده عقیده ام این است که در صورتیکه اختلاف واقع شود ما مطلقاً نباید بگوئیم که خبر بانک هر چه تقویم

کند سندیت دارد باید يك اختیاری هم برای قرض گیرنده قائل شویم که مقوم قرض گیرنده و مقوم بانک اگر توافق کردند فیها و اگر توافق نکردند موافق ماده ۱۲ رجوع بحکمت میشود و قضیه حل شود نه اینکه تمام اختیارات را ما بیانک بدهیم ما با بانک مساوی هستیم چرا تمام حقوق قضاوت باید در دست او باشد برای چه آقای وزیر امور خارجه شما که کاملاً از قضاوت الحمدالله مستحضرید و میدانید که ما نباید اینجا قضاوت را بيك طرف بدهیم خیر آقا حق قضاوت است باید حق او هم باشد و در موقع اختلاف برود بحکمت و الا بانک ما مثل آن سرباز سابق میشود که نومانی بقران پول قرض میداد و میگفت اگر نمیخواهی برو چشمت کور شود ما میخواهیم يك فرجه برای مردم باشد پس در اینجا هم عقیده بنده این است که يك حقی برای قرض گیرنده قائل شویم و یکی هم نظر بنده در موضوع این است که نوشته است: در مورد این فقره ریح از ابتدای استقراض تا روز وصول طلب بانک از قرار صدی دوازده محسوب خواهد شد. گمان میکنم این نظر را مأخوذ کردید از آن قانونی که از کمیسیون عدلیه گذشت راجع به خسارات که بعد از تقاضای خسارت هر چه عقب افتاد صدی دوازده بگیرند خوب است همان حق الجماله را که صدی چهار معین کردید معین کنید این صدی دوازده برای چه. آقای وزیر امور خارجه نظر بنده بهمان است که عرض کردم نظر بنده راجع بيك ارفاق و يك کمک هائی است ب مردم و نظر شما را کاملاً میدانم که ارفاق است این است که باید بانک این ارفاقها را در اینجا ملاحظه کند این بود نظر من

کفیل وزارت اقتصاد ملی - اما در خصوص اینکه فرمودند که ثبت کرده است در ثبت اسناد بيك قیمتی دیگر بانک چرا باید آن ملک را تقویم بکنند این را بنده توجه میدهم خاطراتان را که مطلب از این مهمتر و مطابق قیستی که در ثبت اسناد تقویم میشود واقعاً بانک نمیتواند قبول کند زیرا که قیمتی که برای ثبت اسناد برای ملکی معین میکنند این قیمت برای بانک سندیت ندارد

و فقط ثبت اسناد سنداست برای اینکه این ملك این شخص است و بیش از این نسبت بخود ملك و قیمت آن سندیت ندارد بنا بر این وقتی که بانك میخواهد يك ملكی را وثیقه بر دارد باید خودش قیمت کند و این مسئله که خیلی مسئله روشنی است که املاك شاید پیش از هر چیزی قیمتش در معرض تغییر و تبدیل است ممکن است ترقی بکند ممکن است تنزل بکند بنا بر این ما باید رعایت و احتیاط کنیم از برای بانك که در مواقعی که قیمت ملك تنزل کرد وثیقه بانك از دستش نرود اما اینکه میفرمائید راجع بارفاق نسبت بمردم البته صحیح است اما در اول مطالعه در این قانون بنده خاطر محترم آقایان را توجه دادم که باید متذکر باشید که اگر مردم را باید رعایت کرد بانك را هم باید رعایت کرد شاید رعایت بانك واجب تر باشد از رعایت مردم بجهت اینکه مردم افرادند و بيك فرد اگر ضرر بخورد اینقدر اهمیت ندارد که به يك بانکی که در واقع متعلق بيك مملکتی است صدمه وارد شود بنا بر این هر احتیاطی که بکنیم از برای اینکه سرمایه بانك از بین نرود و ضرر نکند و سبب نشود که این بانك از بین برود بجا خواهد بود مسئله دوم که فرمودند (راجع به چه بود ؟) . . . (آقا سید یعقوب - تقویم) در باب تقویم این جا فرمودند که بانك مثل کس دیگری است و نباید بطیب خاطر معامله کند و باید نظرش معامله ارفاقی باشد بنده عرض کردم که معاملات بانك را با معامله تجارتي باید فرق بگذارید و باید این را در نظر بگیرید که بانك را نباید بيك تاجر متعارفی که از برای شخص خودش معامله میکند و منافع شخصی خودش و مضار شخصی خودش را در نظر دارد نگاه کنیم بنده اگر يك آدمی باشم معامله کن و پول قرض میدهم مالك ملك خودم هستم و مسلط بر دارائی خودم هستم اگر در يك جائی بخوام با يك کسی ارفاق کنم و برادری داشته باشم خوب خیلی خوب است خیلی هم مستحسن است اما این مسئله در بانك نباید منظور شود بانك نباید این را رعایت کند

که خوب حالا يك معامله میکنم با این آدم که اگر ضرر شد و سرمایه از بین رفت عیبی ندارد شخص در بار خودش میتواند این حرف را بزند بنده يك آدم سرمایه داری هستم و خیلی متمولم و دو کرور هم سرمایه دار شخصی را می بینم محتاج به پول است راست است که تاجر هستم و معامله میخواهم بکنم خوب میگویم این هزار تومان هم اگر سوخت شد بشود خدا بدهد برکت آخر خدا برکت خواهد داد ولی معامله بانك اینطور نیست معامله بانك باید طوری باشد که حتی الامکان سوخته و از بین رفته درش نباشد بنا بر این فلسفه است که باید خبره بانك حرفش سندیت داشته باشد و معارضی نداشته باشد و وقتی که خبره بانك تقویم کرد باید طرف اگر حاضر است قبول کند و معامله کند والا میشود اما در خصوص صدی دوازده که فرمودید فلسفه اش خیلی روشن است و آن این است که ما بانك را تاسیس میکنیم و تصدیق فرمودید که بهمین دلیل که باید تاسیس کنیم که ترقی بدهیم فلاحت را و بهمین دلیل است که معین کردیم پولی را که قرض میدهم باید برای آن مقاصد معین باشد و بهمین دلیل است که يك ربحی یعنی يك حق الجماله و حق العملی معین کردیم خیلی کم که صدی چهار و صدی شش باشد والا در این مملکت کسی نیست که به صدی چهار و صدی شش و صدی هشت پول قرض بدهد آن کسی مستحق این ارفاق و ملاحظه است که قرضی که میکند بمصرف آن مقاصدی که ما در نظر داریم بزند اگر آدمی يك کسی آمد و پول قرض کرد و بجای این که ملك را ترقی بدهد و فلاحت را مثل ابریشم را متمهد شده بود ترقی بدهد ابریشم را ترقی نداد و مثلاً ابریشم را بخرد و سوار شد چه علت دارد که این جا يك ارفاقی به او بکنیم در اینجا البته باید این صدی چهار را تبدیل کنیم به صدی دوازده برای این که باو بگوئیم آقا تو که میخواستی پول قرض کنی و اتمو بیل بخری سوار بشوی اگر میرفتی از سایر جاها قرض میگرفتی چه قدر ربح میدادی ما هم همان قدر با تو حساب میکنیم و این در واقع يك جریمه است

برای آن کسی که تعلل کند و تخلف کند از آن مقصود اساسی این بانك. رئیس -- آقای هزار جریبی .
هزار جریبی -- عرض کنم فرمایشات آقای وزیر را که چه بنده تمامش را نشنیدم بنده را قانع نکرد در این ماده غرض از این مسئله بانك فلاحتی اگر این بود که روز اول فرمودند که مقصود کمک به فلاحتین و ملاکین نیست و خودشان باید فکری برای زراعت خودشان بکنند این اهمیت ندارد و این مواد لازم نیست ما این مواد چیزی است که معلوم میشود باید با فلاحت ملاک طرف شد اگر با اینها بخواهند طرف بشوند نمیتوانند با این مواد عمل کنند در ماده ۱۱ بنده چندین نفره همچو بنظرم میرسد و می بینم که این مواد بوجهی رفته شده است که يك ملاک بیچاره که میخواهد از جای دیگر هم پولی قرض کند این مواد بقدری برای او اشکال تراشی کرده است که جای دیگر هم باو قرض نخواهند داد و اصلاً فلاحت را فلج کرده است اگر نظر دولت این نیست که کمکی به فلاحتین بشود عرض این مواد بکه این جا نوشته شده است بعد از ماده چهار و طرز استقراض و غیره فقط يك چیز نوشته شود که طرز استقراض و قرض دادن با خود دولت است و مطابق نظامنامه دولت است بتر این است که اینجا اینطور نوشته شود. در اینجا مینویسد: الف - قبول اینکه هر گاه در مورد معین مبلغی که باید بعنوان منافع سالیانه یا قسط استهلاك تأدیه نماید نپردازد بانك حق دارد به مدیون اخطار نماید که اگر در ظرف يك ماه منافع یا قسط مقرر پرداخته نشد دین مؤجل او حال شده و کلیه وجه استقراضی و منافع فوراً قابل استرداد میشود الی آخر ماده این جا پولی را که قرض می کنند مطابق آنچه که نوشته شده است که باید فلاحت زراعت را بکند مثلاً قرار داده بود که درخت پسته بکارند ملکها را امروز از روی محصول معمولاً تومانی ده تومان قیمت می کنند يك ملكی ششصد تومان عایدی دارد شش هزار تومان قیمت میکنند يك ملكی که مثلاً دو هزار تومان حاصل دارد بیست هزار تومان آدمی این ملك تمهد کرد که

در ملك خودش پسته بکارد با قنات حفر کنند آمدند این ملك را قیمت کردند که در هزارا تومان محصول دارد به بیست هزار تومان مدت قرض را هم که در ماده ۹ مینویسد ده سال بسته از وقتی که نهال بشود یعنی از روزیکه غرس بکنند تا روزی که بر بدهد پانزده سال طول دارد که وقتی که بر داد بعد از سی سال پسته میدهد چنان قنات خیلی از ملاکین هستند که قنات حفر میکنند قنات حفر کردن ممکن است هفت سال ۱ هشت سال طول بکشد و آن پول تمام خرج میشود و آدمی بعد از تمام شدن قنات یکسال زراعت نیامد آنوقت بیایند و بگویند که آن پولی که گرفته بودیم باید بدهی و آن دین مؤجل تو حال شده آنوقت هم میخواهند این ملك را قیمت کنند بپردازند و خبره های بانك باید قیمت کنند يك ملك بیست هزار تومانی را ممکن است پنج هزار تومان قیمت کنند خوب يك ثانی هم نیست فقط اختیارات را میدهد به بانك اگر چه بنده به يك جهت راضی هستم که این قوانین سخت باعث خواهد شد که دیگر کسی پول قرض نکند و این شبهه بانك فلاحتی به چه وجه من الوجوه کسی ازش پول قرض نکند و به چه وجه این قانون برای فلاحتین مضر تر نیست این را فاطمه بنده اما چیزی که محل اشکال بنده است این است که این مواد را وقتی دولت تنظیم کرد اسباب و آلات دست دیگران میشود که غالب آن پول دار های دیگر هم همین معامله را با مردم پیشنهاد میکنند و آنوقت برای فلاحتین و ملاکین اسباب زحمت میشود و بنده هیچوقت از روی يك غرضی حرف نمی زنم و این چیزهایی که عرض میکنم مسائلی است که شخصاً مستحضرم و اطلاعاتی است که بنده شخصاً از زراعت دارم و میدانم این است مهمترین زراعت شما همان پسته و کتف و برنج و ابریشم و این چیزها است قنات هم قناتی است که حاج میرزا آقاسی این قنات را در ایران احداث کرده است و دیگر حالا قناتی کمتر احداث میشود اگر يك ملكی يك قناتی داشت و شولات شد باید آب را زیاد کنند و الا يك کسی

بیست که قنات تازه دائر کند البته آن زراعتی که امروز بخواهیم در مازندران و کیلان راه بیندازیم و یک نفر بخواهد از شعبه بانک فلاحی از روی این قاعده راه بیندازد و تا سال دیگر یک بهره کلی ببرد و زیاد تر از صدی چهار البته میتواند بهره ببرد اگر صد هزار تومان خرج بکند یک کورور تومان منفعت خواهد کرد برای این که صد جریب اگر پنبه بکارد سه هزار تومان خرج میکند از آن طرف ده هزار تومان میبرد هم چنین نیشکر و هم چنین ابریشم در ظرف یکسال هم وقت میتواند آن پولی که داده است ببرد ولی آن چیزی را که بنده در نظر دارم این است که طوری بشود که مالک حمایت شود و طوری بکنند که زراعت در ایران فلاح نشود و الا باین ترتیب که این قانون نوشته شده است زراعت فلاح میشود و فایده این قانون این است و بنده باین جهت مخالفم مثلاً ماده چهار را ملاحظه کنید کاشکی آقای وزیر راضی بشوند یک اصلاحاتی بشود اما اگر خود دولت میخواهد هرکار را بکند بنده مخالف نیستم ولی دیگر این مواد لازم نیست مثلاً در صدی سی یک ملک را قیمت میکنند که اگر صدی سی تنزل کرد و کسر شد از قیمت آن دو مرتبه او از جای دیگر بدهد خوب چطور معین میکند؟ ممکن است امسال قیمت ملک تنزل کند. امسال ملک من پنج هزار تومان عمل دارد این را پنجاه هزار تومان قیمت میکنند و بانک قبول میکند. سال دیگر عمل ندارد. این یک شاهی نیارزد؟ آنوقت چه میکنید؟ میآید میگوئید شما باید تمام پنجاه هزار تومان را بدهید. یکسال این ملک ده هزار تومان عمل دارد و صد هزار تومان قیمت و یکسال ممکن است عمل نداشته باشد. آنوقت مقصود ازین میرود. این مواد فوق العاده بد است. و هر موادی را که من می بینم من که یک نفر رعیت و فلاح هستم می بینم این موادی نهایت درجه سخت است مگر اینکه خود دولت بخواهد عمل کند انهم محتاج باین مواد نیست.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - عرض میکنم جوار فرمایشات نماینده محترم مکرر داده شده است و کمابیش میباید هم بدانند. فقط تذکر میدهم که نه مجلس شورای ملی و نه آقایان نمایندگان و نه ایشان مجبور نیستند که این قانون را رای بدهند. اگر مصلحت در بندر رای بدهند و اگر ندیدند رای ندهند. خیلی کارها مخصوصاً اعمال قسمتی که میفرمایند من رعیت هستم بهمین نظر چون فلاح هستند نمیتوانند نظر خودشان را از منافع فلاح منصرف کنند به منافع بانک چون شما فلاح هستید بکطرفی هستید در صورتیکه باید همه طرف را ملاحظه کرد مجلس شورای ملی که من حیث المجموع مرکب است از تمام طبقات مردم قضاوت خواهند کرد که آیا در اینجا باید فقط رعایت فلاح را کرد یا هر دو طرف را باید رعایت نمود بنده از روز اول اینجا عرض کردم تصریح کردم که این برای دستگیری بفلاح نیست برای دستگیری از فلاح راههای دیگری هم هست که باید آنها را عمل کرد این از برای این است که مطابق این موادی که در اینجا نوشته شده اگر مجلس شورای ملی موافق است و مصلحت میدانند باین ترتیب بآن اشخاصی که میخواهند این کار را بکنند با این شرایط قرض داده شود یا نه؟ در عین حال محکم کاری هم بشود که پول و سرمایه بانک از بیفتن نرود اما اینکه میفرمائید این اسباب میشود که دیگر هیچ فلاحی نمیتواند قرض کند اینرا بنده نمیتوانم قبول کنم کدام آدم است که در این مملکت میتواند با صدی چهار و صدی شش استقراض کند؟ او کیست که وقتی مالی را وثیقه گرفت کمتر از نصف گرفت؟ البته بیش از نصف قیمت نمیدهد. بنده شرایط فوق العاده در اینجا نمی بینم. وقتی که پولش را ندادند نمیرود پولش را مطالبه کند؟ آیا می خواهید که بانک دائماً مشغول این باشد که می محصل بفرستد و می کاغذ بنویسد می بعدلیه برود تا اینکه بالاخره سرمایه اش در این بین ها از میان برود و نقله شود این سوء تفاهم برای این است که یک طرف قضیه ملاحظه میشود و زیاده بر این چیزی

رض نمیکند
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست معظم دامت عظمته
پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ قسمت دال بعد از کلمه اعتراض است اضافه شود (مشروط بر اینکه تقویم خیره های بانک کمتر از میزان عایدی آن ملک ده در صد نباشد)

پیشنهاد آقای افسر

پیشنهاد میکند در فقره ۳ ماده ۱۱ در این عبارت بر سایر طلبکاران که وثیقه خصوصی ندارند) اضافه شود در صورتی که تاریخ طلب آنها بعد از استقراض از بانک باشد

پیشنهاد آقای محمود رضا

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ قسمت دال حذف شود
پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست معظم دامت عظمته

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ در قسمت الف بعد از بنده نپردازد اضافه شود در صورتیکه محصول ملک وثیقه بنده دچار آفت نشده باشد الی آخر

پیشنهاد آقای فهیمی

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۱ قسمت دال بطریق ذیل نوشته شود

قبول اینکه هرگاه قیمت ملک موضوع وثیقه در طی مدت استقراض ضعف و بیع استقراض تنزل شود بانک حق خواهد داشت تفاوت را نقداً از استقراض کننده مطالبه و دریافت کند و یا اینکه وثیقه دیگری از سایر املاک مشارالیه تقاضا نماید و هرگاه الا آخر ماده

پیشنهاد آقای آسید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده یازده بین الهالین حذف شود و کلمه غیر قابل اعتراض در آخر صفحه حذف شود و نوشته

شود که قرض کننده حق تعیین یک نفر مقوم دارد در صورت اختلاف مقومین رجوع بماده ۱۲ میشود در جزو ۵ از قرار صدی دوازده تبدیل به صدی شش شود.

پیشنهاد آقای شریعت زاده -

مقام منبع ریاست

پیشنهاد میکنم در اول شق (ج) بعد از کلمه مخارج جمله و خسارات اضافه شود.

رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود:

آقا سید یعقوب - ختم جلسه ظهر است.

رئیس - زود است یک قدری

(ماده دوازدهم بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۲ - هرگاه استقراض کننده مدعی شود که مشمول فقره (ه) از ماده قبل نبوده و وجه استقراض را برای انجام منظوری که در ضمن قرار داد اعلام کرده بمصرف رسانده و یا مدعی باشد که تخلف او باعث فرس مازر بوده است موضوع اختلاف بحکمیت ارجاع میشود حکم مدیون بایستی در ظرف هشت روز از تاریخ مراسله سفارشی مذکور در فقره (ه) ماده فوق تعیین شود و در این صورت بانک نیز حکم خود را در ظرف هشت روز از تاریخ معرفی حکم مدیون معین خواهد کرد.

حکما باید در ظرف دو ماه رأی خود را اعلام نمایند مدت حکمیت ممکن است بنظر حکما یک دفعه تمدید یابد. مدت تمدید بیش از دو ماه نباید باشد چنانچه حکما در ظرف مدت حکمیت توافق نظر راجع به موضوع حکمیت پیدا نکردند باید حکم ثالثی انتخاب نمایند که رأی او قاطع اختلاف خواهد بود

در صورتیکه در انتخاب حکم ثالث بین حکمین توافق حاصل نشود حکم مزبور از بین پنج نفری که در ابتدای تشکیل جلسه حکمیت (سه نفر از طرف حکم بانک و دو نفر از طرف حکم استقراض کننده تعیین شده اند) بوسیله قرعه انتخاب خواهد شد. حکم ثالث باید در ظرف یک ماه تصمیم خود را اعلام نماید.

مخارج حکمیت بعهده استقراض کننده خواهد بود مگر در صورتیکه تصمیم دیگری از طرف حکم ها در این خصوص اتخاذ شود. در صورتیکه بانك محکوم شود طرف حق ادعای خسارت وارده بر خود را از بانك خواهد داشت. تعیین میزان خسارت بسته بنظر هیئت حکمیت است. حق دعوای خسارت يك ماه پس از ابلاغ رأی حکمیت در اصل دعوی ساقط خواهد شد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده نسبت باین ماده دو نظر دارم که عرض میکنم آقای وزیر اقتصاد توجه بفرمائید. از این ماده این جور مفهوم میشود که تشخیص بانك راجع بانكه تخلف شده از طرف استقراض کننده غلط است. استقراض کننده اگر مدعی خلاف تشخیص بانك شود باید اعتراض کند. البته در عمل عمینطور میشود ولی هیچ دلیلی ما نداریم که در مقابل يك قرض کننده بگوئیم هر چه از طرف بانك اعلام میشود محکوم به صحت است. ممکن است اشتباه شده باشد. پس بهتر این بود که تعیین شود باختلاف یعنی بانك آنطور میگوید و طرف این طور. این اختلاف است. نه اینکه بگوئیم آنچه که بانك میگوید صحیح است و طرف باید اختلاف را ثابت کند. پس این جمله اگر مبدل باختلاف شود بهتر است. این يك نظر است. نظر دیگر این است که در قسمت اخیر این ماده نوشته شده است (سه نفر از طرف حکم بانك و دو نفر از طرف حکم استقراض کننده تعیین شده اند) حکم قرض کننده دو نفر و حکم بانك سه نفر است. البته اگر از این نقطه نظر باشد که دولت بگوید که ما يك اصول داریم و برطبق این اصول هر کسی که میخواهد استقراض کند باید اینطور باشد. شاید از این حیث چندان اشکالی وارد نباشد زیرا هر کسی میل دارد در مقابل این نظریات تسلیم میشود و قرض میکند. اما بنده خیال میکنم تنها این نظر باشد. و خیال میکنم مقاصد عالیه دولت راجع به توسعه آن قسمت از زراعت مفیده مقتضی این است که در

این قبیل امور رعایات اصاف بشود برای اینکه در طرف هستند. و راجع بحکم مشترك که اختلاف میشود هر کس سه نفر باید تعیین کنند و از بین این شش نفر يك نفر بقرعه معین میشود. و هیچ دلیلی بنظر نمیرسد که در اینجا يك جهت وجهانی برای بانك باشد این است که مطلب را بنده عرض کردم که آقای وزیر اقتصاد توجه بفرمائید.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - قسمت اول چیزها اینک فرموده بنده درست ملتفت نشدم میفرمائید بانك صبر کند که به بانك اطلاع رسید که فلان شخصی که قرض کرده برای اینکه سد فلان چارا به بندد و آن سد بسته اند. است بنا بر این آن شخص تخلف کرده بانك برود و از آن آدم سؤال کند و بگوید که من این عقیده را دارم آیا شما در این باب مخالفید این که معمول نیست. بانك میگوید که تخلف کرده. بموجب مواد این قانون اجازه داده شده بمحض اینکه او گنفت بسا هست که آن آدم منصف و عاقل است و خودش هم مبداند تخلف کرده و فائده ندارد که مکرر شود و مخالفت نمی کند. اما اگر فرضاً از روی عقیده یا غیر عقیده به تصور اینکه می تواند اشتباه کاری کند و در حکمیت می تواند اشتباه کرد و به بانك میگوید که شما اشتباه کردید و من تخلف نکرده ام. بر فرض که این حرف را زد بانك مجبور میشود که به حکمیت رجوع بکند. اینکه میفرمائید نوشته شود در صورت اختلاف البته همین اختلاف است. آن شکل هم که بنویسیم نتیجه همین طور است. اختلاف در صورتی است که طرف قبول نداشته باشد حرف بانك را. اما در قسمت دوم این را بنده چندان اهمیت میدهم فلسفه و مناط آنست که بنده مکرر عرض کرده ام و بعقیده بنده یعنی عقیده تنظیم کنندگان این لایحه آنست که رعایت بانك را بدین از رعایت مردم باید کرد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هم عقیده ام اینست که نباید يك طرف را در نظر گرفت البته باید رعایت بانك را

کرد بقسمی که این وجه از بین نرود و تلف شود اما بنده در فقره ۱۱ از ماده ۱۱ عرض داشتم که نوبت بنده بنده حالا موقمش گذشته در اینجا موقع هست و عرض میکنم نوشته (هر گاه استقراض کننده مدعی شود که اینجایك جهت وجهانی برای بانك باشد این است که مطلب را بنده عرض کردم که آقای وزیر اقتصاد توجه بفرمائید. گفتند میخواهی چه کار کنی گفتم میخواهم توتون بکارم بعد دیدم آن زمین توتونش خوب نمیشود و تنها کراش خوب میشود رفتم تنها کو کاشتم با مثلاً قرض کردم بنوان اینکه بسته بکارم دیدم موعد لازم دارد و طول میکشد در عرض بادام کاشتم. در اینجا من مسئول و از آن آدم سؤال کردم؟ فردا خواهند گفت که تو قرض کردی آیا شما در این باب مخالفید این که معمول نیست. بانك میگوید که تخلف کرده. بموجب مواد این قانون اجازه داده شده بمحض اینکه او گنفت بسا هست که آن آدم منصف و عاقل است و خودش هم مبداند تخلف کرده و فائده ندارد که مکرر شود و مخالفت نمی کند. اما اگر فرضاً از روی عقیده یا غیر عقیده به تصور اینکه می تواند اشتباه کاری کند و در حکمیت می تواند اشتباه کرد و به بانك میگوید که شما اشتباه کردید و من تخلف نکرده ام. بر فرض که این حرف را زد بانك مجبور میشود که به حکمیت رجوع بکند. اینکه میفرمائید نوشته شود در صورت اختلاف البته همین اختلاف است. آن شکل هم که بنویسیم نتیجه همین طور است. اختلاف در صورتی است که طرف قبول نداشته باشد حرف بانك را. اما در قسمت دوم این را بنده چندان اهمیت میدهم فلسفه و مناط آنست که بنده مکرر عرض کرده ام و بعقیده بنده یعنی عقیده تنظیم کنندگان این لایحه آنست که رعایت بانك را بدین از رعایت مردم باید کرد

این است که این بانك جهت توسعه امر فلاح و این ترتیبات است و اسباب اشکال تراشی فلاح و مردم نباید بشود غرض این است هر چیزی که به نفع مملکت است توضیح بدهند که ضمن ماده معین شود

وزیر اقتصاد ملی - عرض میکنم اگر قدری تأمل و دقت بفرمائید تصدیق خواهند فرمود بهتر این است که این ارفاقی که میفرمائید نباشد آن کسی که میخواهد يك کاری را بکند خوب است قبلاً مطالعه و تحقیقاتش را در آن کار بنماید و قبل از اینکه استقراض کند به بنده که در فلان زمین بسته بهتر عمل میآید یا بادام. و مثل اینکه غالباً ما میکنیم نباشد ما مردمانی هستیم که بیرویه کار میکنیم اول میرویم پول قرض میکنیم بعد مشغول امتحان میشودیم و پول بی مصرف در آنجا میمانند. این بالاخره نتیجه اش چه میشود؟ اگر این ترتیبی را که میفرمائید ما قبول کنیم بمباراة آخری این است که اختیار بدهیم به قرض کننده که پول را بمصرفی که خودش میخواهد برساند منتهی در امر فلاح باشد در صورتیکه نظر ما این نیست مثلاً امروز پول برای پنبه کاری قرض میکند فردا میرود برنج میکارد در صورتیکه ما مخصوصاً میخواهیم برنج نکاریم. وقتی که میگوئیم چرا این کار را کردی میگوید مصلحت این نقطه در این است که من برنج بکارم آنوقت ما نمیتوانیم باو حرف بزنیم. پس این است که آن آدم مقید تر باشد و قبلاً آن آدم تأملش را کرده باشد و از روی بصیرت وقتی که میخواهد پول قرض کند بداند که برای آن منظور است و مقتضی نیست که اختیار بدست آنها باشد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهادات قرائت میشود
پیشنهاد آقای محمود رضا:
مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ جمله سه نفر از طرف حکم بانك حذف و بجای آن نوشته شود مطابق قانون حکمیت طرفین رفتار نمایند

پیشنهاد دیگر آقای محمود رضا :
 مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
 پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ جله مخارج حکمت بهمه
 استقراس کنند خواه بود حذف شود
پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب :
 پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ نوشته شده است : طرف
 حق ادعای خسارت وارده الخ با این عبارت تبدیل
 شود : بانك از عهده خسارت باید بر آید و عوض عبارت
 مخارج حکمت نوشته شود مخارج حکمت بمعهده
 طرفین است .

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست معظم دامت عظمة :
 پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ بعد از کلمه فرس مارر
 اضافه شود و با علل و عذر وجهی بوده الي آخر
پیشنهاد دیگر آقای دهستانی
 مقام منبع ریاست معظم دامت عظمة
 پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ عده حکم بانك و حکم
 استقراس کنند هر يك سه نفر باشند
رئیس - ماده ۱۳ قرائت میشود :
 ماده ۱۳ - موافقت یا عدم موافقت با تقاضای قرض
 باختیار بانك است و در صورت رد تقاضای استقراس
 بانك مكلف باقامه هیچ دلیل نخواهد بود

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده اینجا يك نظری دارم و آن
 این است که کسی که ازش قرض میخواهند اختیار
 دارد که بگوید من موافقت نمیکنم لکن این مورد
 يك موردی نیست که آنطور باشد دولت در نظر دارد
 در این قبیل معاملات وسائل توسعه زراعت هائی که
 تقویت از بنیه اقتصادی مملکت میکند فراهم نماید
 بنا بر این اگر شخص قرض کننده فرضا تمام شرائطی
 که موجبات قرض دادن در آن موجود باشد داشته
 باشد با آن نظری که وزارت اقتصاد در توسعه زراعت

دارد دیگر وجهی ندارد که بانك باو قرض ندهد
 و اگر بانك جواب منفی باو داد از نقطه نظر مراجع
 به بانك شاید همین طور است ولي بنده معتقدم کسی که
 تقاضای قرضه میکند باید حق داشته باشد که بهوزارت
 اقتصاد ملی مراجعه کند و بگوید بموجب این دلایل
 تمام موجبات برایم فراهم است. و اگر دولت دیدصحيح
 میگوید باید با او موافقت نمود در هر صورت
 این قطعیت بنظر بنده با مقاصد و نیات خود دولت موافق
 نیست اگر يك مؤسسه تجارنی بود مانع نداشت و کسی
 حق نداشت که چیزی بگوید اما بنده باقتضای نظری
 که دولت در این باب دارد پیشنهاد میکنم که آقا
 این نظر موافقت بفرمایند

ولیر اقتصاد ملی -

فقط بنده تذکر میدهم به آقای
 محترم که در این صورت تمام اوقات وزارت اقتصاد
 ملي مصروف خواهد شد برسیدگی اختلافات بین بانك
 و استقراس کنندنده یکی دیگر خوب است توجه بفرمایند
 آقا که چرا این قدر عقیده دارند که بانك در این
 جا از روی هوای نفس کار میکند. مثلاً يك کسی را
 می بیند از کلاه او خوشش میاید باو پول قرض میدهد
 و از يك نفر دیگر که خوشش نمیاید باو قرض نمیدهد
 بانك مؤسسه ایست که میخواهد کار بکند ، اعتبار داشته
 باشد ، چه داشته باشد بنده تصور میکنم اگر تکرانی
 باشد باید بیشتر از آنطرف باشد که بقدر کفایت بانك
 احتیاطات لازمه را بکند ، و الا گمان نمیکنم این
 قدر تشویش داشته باشد که بانك بی جهت مردم سختگیری
 بکند و فرض شود که پولش را می خواهد
 بخواباند و بکسی قرض ندهد - این طور است از آن
 طرف هم ملاحظه این را بفرمائید که لازم نیست بانك
 علت را بگوید . مصلحت نیست که بانك بگوید . همان
 طور که فرمودید يك آدمی هست که ملك دارد اعتبار
 هم دارد همه چیز دارد اما قمار باز است . حالا شما
 متوقع هستید که بانك اعلان کند که چون فلانکس قمار

کفیل وزارت اقتصاد ملی -

بنده يك مطلب
 درست توضیح شود . فرض بفرمائید امروز بانك فلاحتی می
 بیند برای دائر کردن فلان مؤسسه برای ترقی ابریشم
 پانصد هزار تومان لازم است و کسی هم نیست که بیاید
 و پانصد هزار تومان سرمایه صرف این کار بکند آنوقت
 بانك فلاحتی با موافقت وزارت اقتصاد ملی در صدد
 بر میآید که این اقدام مفید بشود و اقدام میکند بشركت
 صد هزار تومان و میگوید ما میخواهیم شركت برای

این کار درست کنیم برای این کار فرض کنیم کسی
 حاضر نشد برای دادن سرمایه (این يك احتمالی است
 که داده میشود) بانك هم پول دارد میتواند این شركت
 را تشکیل بدهد . تشکیل میدهد مطابق قوانین شركت
 سهامی بیست تومان و سی تومان قرض میکند (صد هزار
 سهم با فلان قدر) و این شركت مثل تمام شرکتهای دنیا
 کار میکند اما این شركت همیشه در دسترس مردم است
 بطوری که هر کس بخواهد میتواند بیاید و از سهام شركت
 بخرد وقتی که از سهام شركت خریدند آن ضمیمه میشود
 بر سرمایه بانك که می تواند بکار های دیگر بزند این
 يك مثالی بود برای اینکه استیجاب و استعجاب نفرمائید
 که اگر تمام سرمایه را بانك بدهد آنوقت بر حسب قاعده
 و بقول فرانکیها تئوریگمان شركت است اما حقیقتاً در
 عمل شركت نیست خود بانك میتواند عمل کند
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس -

ماده پانزدهم قرائت میشود
 ماده ۱۵ - بیلان سالیانه شعبه بانك فلاحتی باید
 همه ساله تهیه و منتشر شود
 جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست
رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی قرائت میشود
پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست معظم دامت عظمة

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۵ عوض کلمه بیلان نوشته
 شود (حساب)
پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب :
 پیشنهاد میکنم در ماده ۱۵ عوض کلمه بیلان نوشته
 شود صورت حساب الخ
رئیس - (خطاب به آقای فیروز آبادی) پیشنهاد آقا
 راجع بماده ۱۴ است . ماده شانزدهم :

رئیس -

این قانون ده روز پس از تصویب بموقع
 اجرا گذارده میشود
رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای فهیمی :

ماده الحاقیه ذیل را بقانون بانك فلاحی پیشنهاد می‌نمایم:
ماده الحاقیه - در موارد ذیل کلیه وجه استقراری
دفعه با منافع قابل استرداد میشود:

- ۱ - در صورت فوت استقراری کننده
 - ب - در صورت فروش یا هبه یا تقسیم یا هر گونه معامله و انتقال جزئی یا کلی در ملك مرهونه و همچنین در صورت وارد آوردن تغییرات اساسی در وضعیت ملك
 - ج - در صورتیکه معلوم شود که اطلاعات مربوطه ملك مزبور مرهونه حقیقت ندارد
 - د - در صورتیکه مالك در نگاهداری و مواظبت ملك مرهونه غفلت نماید
- رئیس - رأی میگیریم بورد در شور دوم موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه
[۹ - بیانات آقای رئیس - اقتراح برای شرفیابی]
رئیس - بنده عرضی دارم. خاطر آقایان آگاه است که يك ربع قرن از مشروطیت ایران میگذرد و یگانه شاهنشاهی که بنام معنی مشروطیت را حیات کرد و

بدون تکلف احترام و تقویت نمود و در ترقی و تعالی مملکت کوشش کرد و آرزو های ملت ایران را عملی فرموده و مقاصد دیرین مشروطه خواهان را بموقع اجرا گذاشتند اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی است (نمایندگان صحیح است) اگر آقایان اجازه میفرمایند ماهیتی را مبعوث کنیم برای تقدیم تبریک (صحیح است) و بالخصوص حق شناسی از این حمایت بی حسابی که نسبت بمشروطیت و آزادی فرمودند (صحیح است)

(اقتراح بعمل آمده آقایان ذیل معین شدند)
آقایان: مرتضی قلیخان بیات - ملك آرائی - فوام - دکتر سنك - طهرانی - طباطبائی و کیلی حسنعلیمیرزا دولتشاهی - مرآت اسفندیاری - مجد ضیائی - ظفری - آقا میرزا هاشم آشتیانی - دکتر عظیمیا
[۱۰ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - جلسه آینده یکشنبه ۱۹ مرداد ماه چهار ساعت قبل از ظهر دستور لایحه تلفن و سایر لوایح موجوده (مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع بتمبره و نرخ محمولات پستی هوائی

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت پست و تلگراف اجازه میدهد از تاریخ ۲۰ اردی بهشت ۱۳۰۸ تا زمان تغییر تمبره پست هوائی قانون سوم اردی بهشت ۱۳۰۸ ادامه داده شده و از روز اجرای تمبره جدید تا زمان انقضای قانون بیستم بهمن ۱۳۰۴ سرویس های حالیه را که عبارت از هفته يك پست درخط طهران - مشهد و دو پست در خط طهران - بوشهر و دو پست در خط طهران - قصر و يك پست در خط طهران - پهلوی است بنوسط مؤسسه بونکرس برقرار داشته کلیه عایدات فروش تمبر هوائی و حقوق واصله از ممالک خارجه را عاید خزانه نموده کرابه محمولات پستی را از قرار هر کیلو گرام در هر یکصد کیلومتر پنجقران بمؤسسه مزبور بپردازد. این قانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه دوازدهم مرداد یکهزار و سیصد و نه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

قانون

راجع بو وظیفه وراثت مستخدمین نظمی که در نتیجه ایفای وظیفه تلف شونند

ماده واحده - از تاریخ اجرای قانون استخدام کشوری کلیه مستخدمین نظمی اعم از صاحبمنصب و مأمورین با رتبه افراد و ردیف افراد (خواه مشمول قانون استخدام کشوری باشند خواه نباشند) که در نتیجه ایفای وظیفه تلف شده اند یا خواهند شد دو نك بلاکسر آخرین مقرری خدمت آنها بدون رعایت سن و مدت خدمت دربارۀ وراثت قانونی آنها که در ماده ۳ قانون وظایف مورخ ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۶ تصریح شده و بعلاوه در باره برادر و خواهری که در کفالت آنها بوده اند بعنوان وظیفه بطور تساوی برقرار و از زمان فوت بآنها پرداخته خواهد شد. این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه دوازدهم مرداد ماه یکهزار و سیصد و نه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

قانون

بمدید کتبرات دو نفر معلم فرانسوی مدرسه حقوق برای مدت سه سال

ماده اول - وزارت معارف مجاز است استخدام دو نفر معلم فرانسوی مدرسه حقوق را که بموجب قانون ۱۶ شهریور ۱۳۰۶ بتصویب رسیده از آخر خرداد ۱۳۰۹ برای مدت سه سال تمدید نماید
ماده دوم - حقوق هر يك از معلمین مزبور در سال پنج هزار و چهار صد تومان است
ماده سوم - وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدام معاینین مزبور را مطابق قانون استخدام اتباع خارجه مصوب ۲۳ عفر ۱۳۰۱ تعیین و قرار داد آنها را امضا نماید
این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه دوازدهم مرداد ماه یکهزار و سیصد و نه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر